

## بحث: عام و خاص مقدمه ۱: معنای لغوی

لغت عام در عربی به معنای همگانی است و از ریشه «ع م م» است. این ریشه در مقابل خصوصیت است. و «خاص» از ریشه «خ ص ص» است که معنای «الانتساب إلى شيء متفرداً دون غيره»<sup>۱</sup> است و لذا عام به معنای عدم تفرّد و عدم اختصاص به چیزی است.

برخی از زبان شناسان، «عم» به معنای «عمو» را هم از همین ریشه دانسته اند و معتقدند که چون عمو اختصاص به برادرزادگان خود ندارد و وظیفه تربیت و تأمین مایحتاج آنها اختصاصاً بر عهده او نیست، به او «عم» گفته می شود.<sup>۲</sup>

## مقدمه ۲: معنای اصطلاحی

۱. در کلمات فقهای متقدم عام به صورت های مختلف تعریف شده است اما مرحوم آخوند این تعریف ها را تعریف حقیقی برمی شمارد و معتقد است که آنها قابل نقض هستند.

۲. منتهی الدراییه در توضیح کلام مرحوم آخوند به برخی از این تعاریف اشاره کرده است:

«منها: ما عن الغزالی من «أنه اللفظ الواحد الدال من جهة واحدة علی شیئین فصاعداً».

و منها: ما عن أبي الحسن البصری من «أنه اللفظ المستغرق لجميع ما يصلح له.»

و منها: أنه ما دل علی مسمیات باعتبار أمر اشترکت فيه مطلقاً جزئياً أي دفعة لا بدلاً، كما فی المنکر.

و منها: ما عن المحقق فی المعارج من «أنه اللفظ الدال علی اثنین فصاعداً من غیر حصر.»

و منها: ما عن العلامة فی النهاية من «أنه اللفظ الواحد المتبادل بالفعل لما هو صالح له بالقوة مع تعدد موارد.»

و منها: ما عن شیخنا البهائی قدس سره من «أنه اللفظ الموضوع لاستغراق أجزائه أو جزئياته.»<sup>۳</sup>

۳. این کتاب همچنین تعریف دوم را (که مرحوم آخوند آن را برمی گزیدند) از این جهت با مشکل مواجه می داند که مانع اغیار نیست، چرا که:

«لدخول المثنی و المجموع و أسماء العدد و العمومات المخصصة فی التعریف الثانی»<sup>۴</sup>

۱. التحقیق فی کلمات القرآن، ج ۸، ص ۲۲۷؛ ج ۳، ص ۶۷

۲. همان

۳. منتهی الدراییه، ج ۳، ص ۴۴۸

۴. همان، ص ۴۴۹



توضیح:

۱. لفظ «اثنین» و یا «رجلین» شامل همه آنچه صلاحیت دارد می شود ولی عام نیست
  ۲. همچنین است لفظ «مجموع».
- ما می گوئیم: ظاهراً لفظ «مجموع» را می توان از مصادیق عام دانست و لذا جمله‌ی «مجموع انسان‌ها خوب هستند» عام است.
- اللهم إلا أن يقال: مراد ایشان، لفظ «مجموع» نیست، بلکه مراد مصادیق مجموع است. مثلاً در «اکرم علماء»، علما جمع است ولی چون با الف و لام قرین نشده است، عام نیست.
۳. و همچنین لفظ «پنج» که عام نیست ولی شامل «مایصلح له» می شود (لفظ «پنج»، شامل معدودهای خود می شود و مثلاً اگر می گوئیم «پنج گربه»، هر پنج گربه را در بر می گیرد)
  ۴. و همچنین است «عام‌هایی که تخصیص خورده‌اند»
- [ما می گوئیم: درباره «عام مخصص» ظاهراً مشکلی متوجه تعریف نیست، چرا که لفظ عام بماهو لفظ، شامل مصادیق و «مایصلح له» می شود و صرفاً مصادیق تخصیص خورده از تحت حکم خارج هستند].
۵. [ما می گوئیم: اما مشکل اصلی این تعریف آن است که شامل الفاظ مطلق هم می شود. چرا که لفظ مطلق (انسان) هم «همه آنچه بر آنها قابل صدق است»، را در بر می گیرد و همه آنها را در خود غرق می‌کند].
۴. منتهی الدرایه همچنین تعریف دوم را با این مشکل هم مواجه می داند که جامع افراد هم نیست چرا که:
- «لخروج جملة من العمومات عن التعريف الثاني المذكور، كالتكررة في سياق النفي، و العموم الاستفادة من القرينة كمقدمات الحكمة»<sup>۱</sup>

توضیح:

۱. نکره در سیاق نفی (لا یذهب احد) عام است ولی لفظ در این عبارت «مستغرق جمیع مایصلح له» نیست. [ما می گوئیم: اگر مراد از لفظ، لفظ احد باشد، اشکال وارد است ولی «نکره در سیاق نفی» یک لفظ نیست بلکه در ضمن جمله است و لذا اگر مراد مجموع الفاظ (یعنی کل جمله) باشد، اشکال منتهی الدرایه وارد نیست]
۲. همچنین عموم اگر از مقدمات حکمت (و مثل آن) فهم شود، لفظ دال بر استغراق نیست، بلکه این ادله حکمت است که چنین استغراقی را می فهماند. [ما می گوئیم: اینکه عموم مستفاد از مقدمات حکمت تحت تعریف عام داخل نباشد، نقطه قوت تعریف است چرا که عموم مستفاد از مقدمات حکمت، نباید تحت تعریف عام قرار گیرد و باید از آن خارج باشد. (چنانکه در فرق بین عام و مطلق خواهیم آورد)]

۱. همان



- ◀ ۵. مرحوم شیخ عبدالحسین رشتی در شرح کفایة، با اشاره به همین اشکال می‌نویسد که اگر قرار باشد «عموم حاصل از مقدمات حکمت» هم مشمول معنای لفظ عام شود، باید «مطلق»ها را هم عام به حساب آوریم.<sup>۱</sup>
- ◀ ۶. مرحوم صاحب فصول بر سایر تعریف‌ها هم اشکالات متعددی را وارد کرده است.



---

<sup>۱</sup>. شرح کفایة الاصول، ج ۱، ص ۲۹۷؛ به نقل از باورقی ایضاح الکفایة، ج ۳، ص ۲۵۱